

تعریف، مفهوم و انواع آزادی / محدود کننده های آزادی

مسئله آزادی در طول تاریخ همواره یکی از دغدغه های اساسی بشر در زندگی اجتماعی و سیاسی است. هر چند آزادی یکی از آرزوها ...

مسئله آزادی در طول تاریخ همواره یکی از دغدغه های اساسی بشر در زندگی اجتماعی و سیاسی است. هر چند آزادی یکی از آرزوها و رابطه های عاطفی و همزاد بشر بوده است؛ با این همه در طول تاریخ به اشکال مختلف و با موانع گوناگون درونی و بیرونی اعم از هوای نفس یا طاغوت های داخلی و قدرت های خارجی از افراد سلب شده است. برخورد تمدن جدید مغرب زمین با جهان اسلام به طرح پرسش های نوینی در حوزه آزادی انجامیده است و لزوم پاسخگویی به آنها، اولویت بیشتری پیدا کرده است. فراتر از آن ایجاد نظام جمهوری اسلامی در ایران و تجارت عملی چند دهه مملکت داری و موقعیت کشور داری به نوبه خود به طرح پرسش های جدید پرداخته است و نیازمند پردازش نظری است.

موقعیت عملی جمهوری اسلامی روز به روز به میزان گذر عمر آن بر ضمن تحکیم ریشه ها و شجره طیبه، آن را با پیچیدگی های جدیدی مواجه می کند و مملکت داری را وارد مراحل پیچیده تری می کند. به ویژه در یک محیط متعاملانه با نظام بین الملل متخاصم و به ویژه در ارتباطات با مطالبات غیر جذب برخی از مخالفان و آزادی مخالفت و مخالفان در جمهوری اسلامی، سیاست گذاری کلان و مرحله ای نظام جمهوری اسلامی در ابعاد نظریه پردازی و سیاست گذاری در مسائل و محذورات عینی و تراجم مفاهیم گوناگون را ضروری می کند. پرسش های معطوف به آزادی چه از خاستگاه غربی آن و چه از خاستگاه موقعیت آزمون عملی اسلام در جمهوری اسلامی نمی تواند پاسخ خود را از اندیشه های سیاسی غرب مدرن اخذ کند. پاسخ این پرسش ها باید در دستگاه نظری اسلامی به روز شده تولید شود. از این مقدمات کیسولی، مسئله وارگی موضوع متولد می شود و بنابراین پرسش پژوهشی آن است که در دستگاه نظری و میراث غنی و گران مایه اسلامی اعم از قرآن و سنت و سیره معصومین، مفهوم آزادی، انواع و ابعاد و شاخص های گوناگون آن چگونه تصویر پردازی می شود؟ آزادی چگونه تولید و چگونه محدود می شود؟

فرضیه یا مدعای پژوهش آن است که آزادی در اسلام معطوف به الگوی سه گانه (اعم از نقاط قوت و ضعف) و واقعیت ها و ظرفیت های جامعه (اعم از فرصت یا تهدید) تولید یا محدود می شود و پرسش های خاص و مسئله وارۀ روز آزادی در این دستگاه سه گانه به تولید پاسخ و راه حل عملی می رسد.

مفروضات این نوشتار بر مفروضات ذیل استوار است:

1- برخلاف برخی از مفاهیم که خاستگاه آن در مغرب زمین است آزادی در میراث اسلامی دارای قدمت طولانی است و مفهومی وارداتی از مغرب زمین نیست و در ذات اسلام و متون دینی و سیره معصومین به مثابه اسلام مجسم وجود داشته است.

2- پرداخت نوین از آزادی نیازمند مطالعه اندیشه سیاسی مدرن غرب در باب آزادی است. مطالعه آراء صاحب نظران کانت، لاک، مونتسکیو، بدن، آدام اسمیت، جیمز میلز نوزیک، رولز، برلین و سون اریک لیدمن برای صیقل زدن بحث آزادی و تولید پرسش های نوین و تحریر محل نزاع مفید است. به دلیل ضیق وقت در این نوشتار این ادبیات مفروض گرفته می شود.

3- اسلام دارای بخش های سه گانه اعتقادات، اخلاقیات و احکام است. این بخش های سه گانه متناسب با ابعاد وجودی انسان یعنی ویژگی های شناختی، ویژگی های عاطفی و ویژگی های رفتاری انسان است. به دلیل محدودیت اثبات آن طبقه بندی و انطباق آن با نیازهای انسان و ادبیات روز دنیا مفروض گرفته می شود.

4- واقعیت دگرگونی ژرف جهان مدرن به ویژه بعد از فروپاشی شوروی و دگرگونی در شیوه اطلاع رسانی و ایجاد و گسترش فضای مجازی و تکنولوژی ارتباطات، نحوه مواجهه با مفهوم آزادی فرد و قدرت دولت را به شدت متحول کرده است و صورت بندی جدیدی از بحث آزادی در اسلام را اقتضا می کند. به تعبیر دیگر یا موضوع آزادی در موضوع شناسی فقهی آن متحول شده است و یا اینکه اصولاً پرسش های جدیدی در رابطه فرد، دولت و حکومت کنندگان تولید کرده است و به ناچار تولید پاسخ جدید را می طلبد و دست کم نیازمند آن است که منطق اسلام در بحث آزادی به زبان روز دنیا و با ترمینولوژی روز، روزآمد شود.

5- مفهوم #171 آزادی» در درون دستگاه های نظری و جهان بینی گوناگون، دارای معانی متفاوتی می شود. آزادی در دستگاه نظری سوسیالیسم با دستگاه نظری لیبرالیسم دو معنای کاملاً متفاوت دارد، آزادی در اسلام نیز دارای معانی خاص و نظام ترجیحاتی ویژه است.

آزادی در اندیشه سیاسی غرب معمولاً به دو نوع آزادی منفی و آزادی مثبت تقسیم می شود؛ اما در الگوی سه گانه اندیشه سیاسی اسلام به سه نوع یا سه سطح آزادی می توان دست یافت.

1- آزادی فکری کلامی

- این نوع از آزادی از چگونگی رابطه انسان و خداوند تولید می شود و موجودیت می یابد.

- این نوع از آزادی در ادبیات دینی با مفهوم و دوگانه #171؛ جبر و اختیار» پیوند خورده است. لازمه آزادی وجود اختیار و اراده آزاد است. در عین حال این وضعیت به آزادی مطلق انسان نمی انجامد.

- انسان از نظر تکوینی آزادی عمل دارد و بر خلاف سایر موجودات می توانند به راه های گوناگونی حرکت کنند. با این همه با توجه پذیرش مفروضات هستی شناسانه و اسلامی انسان مؤمن، آزادی تکوینی انسان با تشریح و فقه محدود می شود و از این حیث #171؛ آزادی مسئولانه» مفهوم سازی می شود. انسان آزاد است اما باید پاسخگوی انتخاب های خود در قبال خداوند باشد.

- این نوع از آزادی به طور #171؛ غیر مستقیم» بر سیاست اثر گذاری دارد و نه به طور #171؛ مستقیم». به طور مثال اگر فردی جبرگرا شود این اعتقاد به جبرگرایی به طور واسطه ای رفتار سیاسی فرد را تحت تأثیر قرار می دهد.

- اصل نفی ولایت انسان بر انسان دیگر مگر به اذن الهی، نیز به تولید آزادی کلامی می کند.

- با توجه به سنت آزمایش الهی، ضرورت آزادی عمل انسان تبیین می شود. آزمایش الهی دارای مفروضی به نام آزادی است.

- مفاهیم خلافت الهی انسان بر زمین نیز خبر از آزادی عمل انسان و استعداد دوگانه وی برای تحقق یا عدم تحقق عینی آن می دهد.

- نظارت مؤمنان بر رفتار یکدیگر و امر به معروف و نهی از منکر نیز نشان از آزادی عمل انسان ها دارد و اینکه این نظارت می تواند بر رفتار ها اثرگذاری داشته باشد.

- آزادی در اندیشه سیاسی اسلام، ارزش مطلق نیست. آزادی بر خلاف مفاهیمی چون عدالت که ارزش مطلق است، یک ارزش نسبی است؛ یعنی آزادی فی نفسه هدف نیست، بلکه وسیله است. #171؛ آزادی» در ارتباط با مفهوم دیگر نظیر #171؛ رشد و کمال» معنا پیدا می کند و آزادی برای رشد و کمال انسان، جامعه، دولت و نظام بین الملل است. بنابراین آزادی که تأثیری منفی بر رشد و کمال داشته باشد، پذیرفته نیست.

2- آزادی اخلاقی- گرایشی یا معنوی

- نوع ویژه آزادی در اندیشه سیاسی اسلام است. این نوع آزادی، آزادی از تعلقات نفسانی، آزادی از امیال و تمنیات نفسانی و آزادی انسان از اسارت و قیود نفسانی خودش است. استاد مطهری آن را با عنوان #171؛ آزادی معنوی» مفهوم سازی کرده است.

- این نوع آزادی به طور غیر مستقیم بر آزادی سیاسی و رفتار سیاسی تأثیرگذاری دارد. بنابراین بسته به آنکه آزادی معنوی تحقق بیابد یا نیابد و در صورت تحقق فعال یا منفعل باشد، آزادی سیاسی و رفتار سیاسی متحول خواهد شد. درواقع ذخیره مثبت با ذخیره منفی ناشی از آزادی معنوی، در سیاست را به دو مسیر متفاوت هدایت می کند.

3- آزادی فقهی-کنشی

- نوع سوم آزادی، آزادی رفتاری است که متعلق آن اعضاء و جوارح انسان است.

- در حالی که نوع اول با فکر رابطه دارد و نوع دوم به عواطف و گرایش های انسان مرتبط است.

- در حالی که آزادی های نوع اول و دوم به طور غیر مستقیم تولید آزادی سیاسی می کردند این نوع آزادی، به طور مستقیم به سیاست

و رفتار سیاسی و آزادی سیاسی مربوط است؛ یعنی به طور مستقیم آزادی سیاسی را تولید یا آن را محدود می کند.

- در حالی که نوع اول آزادی در ادبیات اسلامی با واژه #171« جبر و اختیار» و نوع دوم آزادی با واژه #171« نفس و پرستش نفس و شهوت» تداعی می شود. نوع سوم آزادی با واژه #171« حر و عبد» هم داستان و هم سخن می شود.

- در حالی که مانع آزادی نوع اول، برداشت های نادرست اعتقادی نظیر اعتقاد به جبر الهی است در آزادی نوع دوم، هوای نفس و تمایلات درونی، مانع آزادی است. در نوع سوم آزادی، موانع و محدود کننده های آزادی متعدد و عنی و بیرونی می شود که عبارتند از: محدود کننده اول روابط فرد با دیگران و مزاحمت دیگر افراد است که آزادی وی را محدود می کنند. این نوع از محدود کننده بین اندیشه سیاسی غرب و اسلام مشترک است.

- محدود کننده دوم، دولت است. دولت می تواند به نوبه خود به حق- با توجه به کارکرد تربیتی خود و یا به ناحق به اقتضای طبع دیکتاتور گونه خود آزادی را محدود کند.

-محدود کننده سوم آزادی، تکالیف شرعی است.

- هر چند انسان دارای آزادی تکوینی است؛ اما انسان مؤمن از حیث آزادی تشریعی باید در چارچوب تکالیف الهی و شرعی عمل کند. این محدود کننده خود، حاوی صورت های ذیل است.

محدودیت کننده های اولیه (ذاتی) فقهی نظیر حرمت ربا، شرب خمر و اسراف که این گونه محدود کننده ها، ثابت و غیر قابل تغییرند.(حکم اولیه).

محدود کننده های ثانویه که هنگام تعارض و تراحم احکام در یک متعلق خارجی بروز می کنند. مانند قاعده #171«لاضرر». این بخش از محدودیت ها، ثابت و همیشگی نیستند.

محدود کننده های شرعی در صورتی که متعلق آزادی به زیان فرد باشد، بنابراین در اسلام حتی فرد در ارتباط با خودش هم آزادی عمل ندارد که با خود هر کاری کند و به خود زیان برساند.